

رویکرد مقام معظم رهبری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر روش مذاکره و مفهوم نرمش قهرمانانه

حسن شمسینی غیاثوند^۱

استادیار گروه علوم سیاسی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تاکستان

رضا نصیری

دانش آموخته کارشناسی ارشد گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تاکستان

(تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۲۵ - تاریخ تصویب: ۹۳/۱۱/۲۸)

چکیده

در این پژوهش، به مبانی و الزامات نرمش قهرمانانه می‌پردازیم که یکی از مهم‌ترین مفاهیم و سیاست‌هایی است که مقام معظم رهبری در چند سال اخیر بیان داشته‌اند. ابتدا، به مبانی فکری رویکرد مقام معظم رهبری به سیاست خارجی، همچون راهبرد سه‌گانه عزت، حکمت، و مصلحت رهبری در سیاست خارجی، راهبرد نفی رابطه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر، اصل حفظ و حمایت از هویت نظام اسلامی و حفظ جهت‌گیری اسلامی انقلابی پرداخته شده است؛ سپس چارچوب ادراکی مقام معظم رهبری درباره مذاکره و تبیین نرمش قهرمانانه، همچون نرمش قهرمانانه و مفهوم‌سازی حوزه‌ای جدید در نظام بین‌المللی، حوزه نرمش قهرمانانه روش است و نه راهبرد، نرمش قهرمانانه و حوزه توازن در آرمان و عمل، مذاکره و نرمش نه تسلیم و سازش، امید به نرمش قهرمانانه و چشم‌انداز روشن آینده، نرمش قهرمانانه و درک نظام بین‌المللی در شرایط گذار، نرمش قهرمانانه و توانمندی‌ها و مشکلات کشور بررسی شده است.

واژگان کلیدی

سیاست خارجی، مقام معظم رهبری، نرمش قهرمانانه، نظام بین‌المللی

مقدمه

ایدئولوژی شکل‌دهنده انقلاب اسلامی که مواردی چون سابقه تاریخی، موقعیت جغرافیایی ایران و از همه مهم‌تر شریعت اسلامی و مذهب تشیع آن را تشکیل داده و قوام بخشیده است، در سیاست خارجی نظام جمهوری اسلامی نیز نقش پررنگ و بی‌بدیلی را ایفا می‌کند که بدون بررسی و تحلیل وجوه مختلف آن نمی‌توان به شناخت و درکی صحیح و منطبق با واقعیت از آن نایل آمد. آنچه بهتر از هر ابزاری می‌تواند در تعیین مؤلفه‌های خاص سیاست خارجی جمهوری اسلامی برای این پژوهش راهگشا باشد، بررسی بیانات و دیدگاه‌های رهبر معظم انقلاب اسلامی با توجه به خط‌مشی روشن و رهنمودهای بنیانگذار کبیر انقلاب اسلامی، حضرت امام خمینی (ره)، است.

طبق بندهای اول تا پنجم اصل یکصد و دهم قانون اساسی، رهبر بیشترین نقش را در تبیین سیاست خارجی جمهوری اسلامی بر عهده دارد و آن مقام به لحاظ قانونی و سلسله‌مراتبی فصل‌الخطاب به شمار می‌آید. رهبر معظم انقلاب اسلامی اصول بنیادین و خدشه‌ناپذیر سیاست خارجی جمهوری اسلامی را بر سه اصل عزت، حکمت، و مصلحت بنا نهاده‌اند.

به این سه اصل، به‌عنوان مجموعه‌ای به‌هم‌پیوسته، به‌ویژه در سال‌های اخیر بیشتر توجه و تأکید شده است. نکته دیگری که در این پژوهش به آن اشاره خواهد شد، تبیین و شرح جایگاه واقع‌گرایی یا آرمان‌گرایی در نگاه و رویکرد مقام معظم رهبری است و اثبات خواهد شد که در منظومه فکری رهبری این دو اصل روابط بین‌الملل در رویکرد رهبری برابر و متعادل است و هیچ‌گاه کفه ترازو به نفع یک اصل سنگینی نکرده است و نگاه متعصبانه‌ای به آن وجود ندارد، بلکه رهبری برای وصول به اهداف متعالی انقلاب اسلامی با حفظ و استمرار اصول و درک صحیح از مقتضیات زمان و ساختار نظام بین‌الملل تفکر نرم‌شی و چرخشی منطقی برای اثبات حقانیت نظام اسلامی دارد.

چارچوب تئوریک

با توجه به اینکه هدف از این پژوهش، بررسی رویکرد مقام معظم رهبری به سیاست خارجی، روش مذاکره و مفهوم نرمش قهرمانانه است و این مسئله از جهات مختلف روشنگر روند سیاست خارجی نظام در بیش از دو دهه گذشته در نظام بین‌الملل، چشم‌انداز پیش‌رو و اقدامات آتی است، توجه به مباحث اندیشه‌ای، هویتی و انگاره‌های شکل‌دهنده رویکرد مقام معظم رهبری بسیار مهم است. منابع ایدئولوژیک، انگاره‌ها و هنجارهای دینی و فرهنگی روایت‌های شکل‌دهنده رویکرد مقام معظم رهبری و به تبع آن سیاست خارجی است که از این منابع هنجاری و هویتی منبعث خواهد شد. در نتیجه، نکته حائز اهمیت بُعد نگرشی و

سازهانگارانۀ این رویکردها و تصمیم‌گیری‌هاست که مبانی فکری و مفاهیم بنیادی چون نفی ظلم و سلطه، دفاع از محرومان و مظلومان، حفظ هویت نظام اسلامی و نگاه جهانشمول به سعادت بشری، از جمله عناصر ذهنی و هویتی‌اند که لازم است برای تحلیل همه‌جانبه و جامع این موضوع از چارچوب نظری سازهانگاری استفاده کرد.

به همین دلیل، تئوری سازهانگاری از میان تئوری‌های متعدد روابط بین‌الملل در این پژوهش به کار گرفته شده است تا ضمن تحلیل و تبیین مبانی رویکرد مقام معظم رهبری به سیاست خارجی، به کنشگری کارگزار در نظام و ساختار بین‌الملل قائل بوده و تعامل «کارگزار» که در اینجا نظام جمهوری اسلامی ایران است و «ساختار» نظام بین‌الملل را دوسویه می‌داند و به تأثیر و تأثر آن معتقد است. بنابراین، می‌توان با استفاده از این چارچوب شکل‌گیری سیاست خارجی و موضع‌گیری متنوع و منطقی را متناسب با شرایط نظام بین‌الملل تفسیر کرد و کنشگری فعال جمهوری اسلامی ایران در روابط بین‌الملل و سیاست خارجی را در عین تأثیرپذیری از ساختار، تأثیرگذار تلقی کرد و موضع‌گیری متنوع و متفاوت در بازه‌های زمانی را متناسب با اصول کلی دانست، اما تغییرات روشمند را منبعث از تغییرات و شرایط نظام بین‌الملل فرض کرد که در هر مقطع زمانی با توجه به مقدمات و محذورات کشور تلاش شده است تا هدف تأمین بالاترین میزان منافع ملی باشد و می‌توان استفاده از ابزار مذاکره و تبیین مفهوم نرمش قهرمانانه را در همین چارچوب تلقی کرد.

ونت چهار نوع هویت را برمی‌شمارد: ۱. هویت شخصی یا جمعی پیکروار^۱؛ ۲. هویت نوعی^۲؛ ۳. هویت نقشی^۳ و ۴. هویت جمعی^۴. هویت شخصی، یا در مورد سازمان‌ها، جمعی یا پیکروار - با ساختارهای خود - سازمان‌بخش و هم‌ایستا قوام^۵ می‌یابد و این ساختارها کنشگران را به واحدهای متمایز تبدیل می‌کنند. هویت نوعی به مقولهٔ اجتماعی یا «برچسبی» اشاره دارد که در رابطه با اشخاص به کار می‌رود که در ظاهر از نظر رفتاری، نگرش‌ها، ارزش‌ها، مهارت‌ها، دانش، تجربه، اشتراکات تاریخی و مانند این‌ها، خصوصیت یا خصوصیتی مشترک دارند. البته این خصوصیات باید محتوا یا معنایی اجتماعی داشته باشند.

از آنجا که هستی‌شناسی محور اصلی مباحث سازهانگاری واقعیت اجتماعی است، می‌توان آن را بیش از هر چیز مبحثی هستی‌شناسی دانست (مشیرزاده، ۱۳۸۳: ۳۲۵). جان راگی نیز مهم‌ترین خصوصیت متمایز سازهانگاری را هستی‌شناسی می‌داند. هستی‌شناسی به فرضیه‌های بنیادین

-
1. Corporate.
 2. Type.
 3. Role.
 4. Collective .
 5. Home ostass.

درباره اصل سیاست بین‌الملل، به‌عنوان عرصه‌ای خاص از عمل سیاسی، اشاره دارد. این فرضیه‌ها یا پیش‌فرض‌ها باورهای اساسی درباره سرشت غایی یا ریشه مسائل را نشان می‌دهند. هستی‌شناسی عبارت است از مراجع انضمامی گفتمان نظری. هستی‌شناسی یک نظریه، ساختارهای جهان واقعی (اشیا و واحدها) و فرایندهایی است که آن نظریه مطرح می‌کند و در تعاریف نظری خود به آن‌ها می‌پردازد که هم مجموعه‌ای ساختاریافته از واحدها و انواع مشخصی از آن‌ها و هم پیوندها و روابط میان آن‌ها را شامل می‌شود (Griffiths, 1990: 10).

تأکید سازه‌انگاران بر مقوله هویت، ایده‌ها، معانی، هنجارها، و قواعد و نقش عوامل فکری در شکل‌گیری رفتار، آن‌ها را در برابر «مادی‌گرایی» حاکم بر جریان اصلی در روابط بین‌الملل قرار می‌دهد و درعین‌حال پذیرش واقعیت مادی، آن‌ها را از پسا‌ساختارگرایان متمایز می‌سازد. کنشگران منافع و هویت خود را از طریق معانی جمعی به دست می‌آورند. هر کنشگر می‌تواند هویت‌های بسیار متعددی داشته باشد. در تعهد به هر هویت و اهمیت آن تغییر ایجاد می‌شود، هر هویتی تعریف اجتماعی کنشگر است و ریشه در نظریه‌هایی دارد که کنشگران به شکل جمعی درباره خود و دیگری ارائه می‌دادند (هادیان، ۱۳۸۲: ۲۹۱).

کاربست نظری سازه‌انگاری درباره تحلیل رویکرد مقام معظم رهبری به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: عرصه سیاست خارجی، صحنه نبرد توانمندی‌ها و محاسبات کشورهاست. فرایند تصمیم‌گیری در سیاست خارجی ایران، در عین اینکه بر مبنای الگوی کنشگر عاقل، ارجحیت‌های معین و مسلمی دارد که بر پایه تحلیل هزینه-فایده، آن را پیگیری می‌کند، اما از منابع هویتی و ارزشی ملی-دینی هم تأثیر می‌گیرد. استفاده از تئوری سازه‌انگاری بر اهمیت بازیگران دولت-ملت در نظام بین‌الملل تأکید دارد و نقش و اهمیت آن را در تحلیل عناصر نظام بین‌الملل لحاظ می‌کند و در همین راستا، مبانی معرفتی و هویتی و انگاره‌های شکل‌دهنده سیاست خارجی یک کشور را که درباره کشورمان تا حدود قابل توجهی از نظرهای رهبر انقلاب و اصول انقلاب نشئت می‌گیرند، مهم‌ترین عامل شکل‌دهی به تصمیمات و اقدامات در سیاست خارجی می‌داند و این موضوع مهم به تحلیل جامعی از شناخت مبانی فکری و منطقی رویکرد مقام معظم رهبری به سیاست خارجی کمک می‌کند.

در این پژوهش، برای درکی درست و تحلیلی جامع از رویکرد راهبردی و همچنین شیوه روشمندانۀ مقام معظم رهبری به دو دلیل از روش سازه‌انگاری استفاده می‌شود: یکی امکان جذب نظری کنشگری دولت-ملت در نظام بین‌الملل به‌عنوان کنشگر مستقل که به تعامل و تقابل کارگزار (جمهوری اسلامی ایران) و ساختار (نظام بین‌الملل) معتقد باشد و دیگری تأکید آن بر نقش هویت و ایدئولوژی در تعریف منافع، تبیین سیاست‌ها و موضع‌گیری و رویکردها

در سیاست خارجی توسط مقام معظم رهبری که در این پژوهش کاربست داده شده است و از طریق آن رفتار جمهوری اسلامی ایران در عرصه سیاست خارجی شکل داده می‌شود. رویکرد سازه‌نگاری به دو دلیل برای درک این امر کارآمدتر است:

الف) تأکید بر کنشگری دولت ملت در نظام بین‌الملل به‌عنوان کنشگر مستقل

یکی از جلوه‌های سیاسی بین‌المللی بعد از صلح و ستفالی تأکید بر بازیگری دولت-ملت و تغییر اهمیت و ماهیت کنشگران عرصه بین‌المللی بوده است که خود به چالشی نظری برای نظریه‌پردازان درباره چگونگی جذب این پدیده در قالب نظری تبدیل شده است. در دوران معاصر، سال‌هاست که بازیگرانی چون سازمان‌ها و اتحادیه‌های بین‌المللی به‌طورکلی خود را به سیاست بین‌المللی تحمیل کرده و نظریه‌های دولت‌محور را به چالش کشیده‌اند، اما رویکردهای نظری جریان اصلی روابط بین‌الملل به دلیل سرشت دولت‌محورانه همچنان دولت-ملت‌ها را بازیگران اصلی نظام بین‌الملل و عرصه سیاست خارجی می‌دانند و بر همین اساس، جمهوری اسلامی ایران با موضع‌گیری و تصمیم‌گیری‌هایی در سیاست خارجی نقش مؤثری را در معادلات منطقه‌ای و جهانی ایفا می‌کند.

تأکید این نظریه بر مقوله تأثیرگذاری «ایده‌ها» در سیاست‌ها که این امر با توجه به سرشت فرهنگی و ارزشی نظام جمهوری اسلامی ایران و زعامت مقام معظم رهبری بر کشور و تعیین سیاست‌های کلی نظام، برای فهم و تبیین کنشگری آن و چگونگی شکل‌گیری و عمل ایران در سیاست خارجی بسیار حیاتی است.

ب) نقش «ایده‌ها» و «معانی» و «هویت‌ها» در شکل‌دهی منافع و سیاست خارجی بازیگران

منابع ارزشی ملی-اسلامی، مجموعه نظام‌های ارزشی و هنجاری است که باعث قوام و تکوین ویژگی‌ها و خصوصیات اجتماعی، سیاسی، و فرهنگی ملت ایران می‌شود که آن را از سایر ملت‌ها متمایز می‌سازد. این منابع هویت‌ساز، مبنای درک و تفسیر سیاست‌گذاران از عرصه روابط بین‌الملل است. منابع هویتی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در قالب تاریخ ایران، نقش مردم در ساختار سیاسی، وفاق ملی، دین اسلام و در نهایت گفتمان انقلاب اسلامی بررسی می‌شوند. در واقع، این منابع در نظام محاسباتی، همان نقش نظام ادراکی را ایفا می‌کنند. بنابراین، ساختارهای هویتی و معرفتی، ذهنیت‌های تاریخی-فرهنگی دیرپا و نظام شناختی و ادراکی حاصل از منابع فوق، رفتارهای سیاست خارجی سایر کشورها را تفسیر می‌کنند و اهداف و آمال سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را نیز شکل می‌دهند. هرگونه نظام محاسباتی باید تداوم یا تغییر این ابعاد را مدنظر داشته باشد (موسوی، ۱۳۹۲: ۸۵).

به طور کلی، می توان گفت که سازه‌انگاری، به عنوان راهی میان نظریات مادی‌گرای روابط بین‌الملل و نظریات تفسیری-هویت‌ی، نقش برجسته‌ای در فهم پدیده‌های جدید روابط بین‌الملل و نحوه ایفای نقش آن‌ها در این عرصه دارد.

مبانی فکری رویکرد مقام معظم رهبری به سیاست خارجی

راهبرد سه‌گانه عزت، حکمت، و مصلحت رهبری در سیاست خارجی. «عزت، حکمت، و مصلحت» را می توان به عنوان سه اصل محوری و ثابتی نام برد که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بر مبنای آن شکل گرفته است. سه اصل محوری که رهبر انقلاب در سال‌های گذشته به عنوان پایه‌های سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مطرح و همچنین تعامل ایران با جهان را در سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور بر پایه این سه اصل پیش‌بینی کرده‌اند. رهبر معظم انقلاب اسلامی این سه اصل را «مثلی الزامی برای چارچوب ارتباطات بین‌المللی» دانسته و فرموده‌اند: عزت: «الاسلام یعلوا و لایعلی علیه»، (بحارالانوار، ج ۳۹: ۴۷)؛ «لن یجعل الله للکافرین علی المؤمنین سبیلاً» (نسا: ۱۴۱)؛ یعنی ما نمی‌خواهیم عزت‌مان را با تکیه بر نژاد و ناسیونالیسم و حرف‌هایی که متأسفانه همه دنیا با تکیه به آن‌ها دور خودشان حصار می‌کشند ثابت کنیم (پایگاه اطلاع‌رسانی رهبر معظم انقلاب، دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۷۰/۴/۱۸).

راهبرد نفی رابطه سلطه‌گر و سلطه‌پذیر. اصل یکصد و پنجاه و دو قانون اساسی، اصل عدم تعهد را سرلوحه سیاست خارجی جمهوری اسلامی برمی‌شمارد: «سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، بر اساس نفی هرگونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری، حفظ استقلال همه‌جانبه و تمامیت ارضی کشور، دفاع از حقوق همه مسلمانان و عدم تعهد در برابر قدرت‌های سلطه‌گر و روابط صلح‌آمیز متقابل با دول غیرمخرب استوار است».

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ضمن تأکید بر کارساز نبودن تسلیم در مقابل دشمن می‌فرمایند: «بزرگ‌ترین بلائی که مستقیم و غیرمستقیم در این دو بیست سال دوران استعمار بر سر ملت‌های شرق و به‌ویژه ملت‌های اسلامی آمده، همین مرعوب شدن و عقب‌نشینی کردن در مقابل تبلیغات و حمله‌های غرب است». در زمینه راه علاج و مقابله با دشمنان و بدخواهان می‌فرمایند: «ملت ایران یک راه علاج دارد و همان راه علاجی است که تا به امروز دنبال کرده و آن ایستادگی و حضور مردم در صحنه است.» و تأکید می‌کنند که «عزت، آزادی، و استقلال ما در سایه ایستادگی در مقابل استکبار جهانی است» (بیانات رهبر در دیدار با مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و کارداران جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۶۹/۵/۱).

از دیدگاه رهبر معظم انقلاب، در عرصه سیاست خارجی باید با چنان پشتوانه و روحیه‌ای به ایفای نقش، مذاکره و هم‌اوردی پرداخت تا قدرت‌های سلطه‌گر متکبر نتوانند خواسته‌های خود را تحمیل کنند. ایشان در همین زمینه به بیان چگونگی تعامل و روابط با دیگر کشورها می‌پردازند و خاطر نشان می‌کنند: «در تعامل و مناسبات دوجانبه همواره باید تنظیم روابط مدنظر باشد و به‌گونه‌ای عمل شود که طرف مقابل احساس کند هرگونه رفتار مثبت یا منفی، واکنش و نتیجه‌ای متناسب با آن خواهد داشت» (دیدار با استادان و دانشجویان دانشگاه علم و صنعت ایران، ۱۳۹۰/۹/۲۴).

ضدیت با نظام سلطه در دکترین سیاست خارجی آیت‌الله خامنه‌ای در سه سطح منطقه‌ای، بلوک یا امت اسلامی و بین‌المللی، قابل استفاده است و شاید به همین دلیل نیز به‌کارگیری آن در اولویت باشد. در سطح منطقه‌ای و کشورهای همسایه ایران که به‌طور طبیعی حوزه نفوذ ژئوپلیتیک، امنیتی، اقتصادی، تمدنی، و فرهنگی کشور به حساب می‌آیند، مبارزه و مقاومت در برابر نفوذ و سلطه بیگانگان اهمیت بیشتری می‌یابد، زیرا در این حوزه، ترتیبات مذکور تأثیر و تأثر از یکدیگر دارند و وضعیت کشورهای همسایه به‌طور طبیعی از پیوستگی و انسجام برخوردار است (امینی، ۱۳۹۱: ۲۷).

اصل حفظ و حمایت از هویت نظام اسلامی (حفظ جهت‌گیری اسلامی انقلابی)

یکی از وجوه بسیار مهم سیاست خارجی جمهوری اسلامی حفظ وجه انقلابی سیاست خارجی آن است. انقلاب اسلامی ویژگی‌های خاصی دارد که آن را از انقلاب‌های مدرن قرن بیستم متمایز می‌کند؛ برای مثال، اینکه «انقلاب اسلامی اولین انقلابی بود که مدیون ایدئولوژی اروپایی نبود و بدون قدرت حمایت‌های بزرگ به حیات خویش ادامه داد، این انقلاب بنیان‌های مذهبی بسیار عمیقی داشت که روحانیون آن را رهبری می‌کردند» (لاریجانی، ۱۳۶۹: ۲۷).

با توجه به اهداف جهانشمولی که جمهوری اسلامی تعقیب می‌کند، بی‌تردید منافع قدرت‌های بزرگ و مستکبر جهانی را به خطر می‌اندازد و طبیعی است که این دولت‌ها ساکت نخواهند نشست و سعی خواهند کرد با به‌کارگیری تمامی ابزار فشار و زور به طرق مختلف آن را به زانو در آورند و از تعقیب اهدافش بازدارند. چنانکه در اندیشه رهبری نیز مهم‌ترین عامل اختلاف و دشمنی اَبَر قدرت‌ها با ایران همین مسئله است، به‌طوری‌که می‌فرمایند: «همان چیزی که موجب دشمنی‌ها با ماست، همان موجب پیشرفت دیپلماسی ماست؛ یعنی همین روحیه اسلامی، تمسک اسلامی، توسل و تمسک به اصول اسلامی و...» (بیانات رهبر در حرم رضوی در آغاز سال ۱۳۹۱).

در همین راستا، مقام معظم رهبری عوامل مؤثر در فعالیت‌ها و رفتار سفیران جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور را بسیار گسترده و پیچیده و در عین حال ظریف و حساس دانسته‌اند و معتقدند که اقتدار نظام جمهوری اسلامی در پابندی سفرا و نمایندگان سیاسی به اصول اسلامی است:

«برادران عزیز! هرچه پابندی بر اصول اسلامی و روش‌های آن بیشتر تأکید بورزید، موفق‌تر خواهید بود. موفقیت امروز دیپلماسی ما که دنیا و حتی مخالفان ما بدان اذعان دارند، در درجه اول مدیون تقیید و پابندی شما دست‌اندرکاران است. این را حفظ کنید... چیزی که در ما استثنائی است و توجه دنیا و احترام دیگران را جلب می‌کند، همین پابندی ما به فکر و اعتقادی الهی است که آن را نشان می‌دهیم. این اعتقاد و پابندی را هرچه ممکن است، حفظ کنید و این کار با ظواهر و امانت اسلامی و پابندی‌های شدید اسلامی تأمین خواهد شد و لاغیر!» (سخنرانی در جمع سفرا و نمایندگان سیاسی، ۱۳۶۸/۴/۳۱).

رویکرد اسلامی نه تنها در تکوین انقلاب، بلکه در وجه انقلابی سیاست خارجی ایران نیز مؤثر است. بنابراین، «هرگونه تقلیل و تخفیف‌گرایی در مواضع، روش‌ها و اقدامات، بسترساز تهدیدی به نام عبور از خود و براندازی خود شده است و نظام مستقر را در معرض بحران و ناکارآمدی قرار می‌دهد» (تاجیک، ۱۳۸۳: ۴۹).

مقام معظم رهبری نیز برای تداوم خطوط کلی و سیاست‌های کلان نظام اسلامی تأکید خاصی دارند و می‌فرمایند: «باید تصمیم بگیریم که خط انقلاب را به معنای حقیقی کلمه و بدون هیچ‌گونه کمبود و کسری و پذیرش ساییدگی در گوشه‌ای از این هدف‌ها با قاطعیت و قدرت به سمت هدف‌های انقلاب ادامه دهیم.» (بیانات در دیدار استادان دانشگاه‌ها، ۱۳۷۲) مقام معظم رهبری با بیان اینکه «اگر ما برای جامعه انقلابی و اسلامی، دیپلماسی انقلابی و اسلامی قائل هستیم، باید در درجه اول جهت‌گیری اسلامی حفظ و به گستاخی و شجاعت در مقابل تهدیدهای دشمنان و قدرت‌های بزرگ و نیز حاکمیت عقل و منطق بر تصمیم‌گیری‌ها و حرکات توجه قرار شود. این خط درست دیپلماسی است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت به مناسبت آغاز هفته دولت، ۱۳۷۷/۶/۲). همچنین، در راستای اهمیت حفظ هویت دینی و اسلامی کشور در حوزه روابط سیاسی در سطح بین‌الملل چنین می‌فرماید: «ما به‌عنوان یک نظام، فرق‌های عنصری و جوهری با بیشتر نظام‌های دنیا داریم که کاری هم نمی‌شود کرد. ما نباید از حرف‌هایمان عدول کنیم، در غیر این صورت، آن زمان جمهوری اسلامی فقط یک اسم خواهد بود» (بیانات رهبری در دیدار با نخبگان، ۱۳۸۲/۷/۱). «اهداف راهبردی و قواره کلی سیاست خارجی امروز ما با ساعت اول انقلاب هیچ تفاوتی نکرده است و این همان نکته اساسی و اصلی است که در ذهن همه کارگزاران سیاست خارجی ما باید وجود داشته

باشد» (بیانات رهبر در دیدار با وزیر، معاونان و مدیران کل وزارت امور خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگی‌های سیاسی خارج از کشور ۱۳۶۸/۵/۳۱).

جمهوری اسلامی ایران به دلیل اسلامی بودنش، سیاست متفاوت و جداگانه‌ای در سطح روابط بین‌الملل خواهد داشت که رهبری نیز در سخنان خود بارها به ارتباط این دو موضوع با یکدیگر اشاره کرده‌اند و معتقد بر این دیپلماسی متفاوت اسلامی ایران هستند و می‌فرمایند: «شما در جبهه‌ای پیکار می‌کنید که با جبهه دیپلماسی دنیا متفاوت است. عرصه دیپلماسی، همه جا عرصه هموردی و مقابله است؛ چون منافع کشورها، منافع ملت‌ها با یکدیگر اصطکاک پیدا می‌کند، تصادم پیدا می‌کند. این تصادم‌ها در موارد زیادی خودش را در میدان دیپلماسی نشان می‌دهد، بنابراین، همه جا این درگیری و هموردی وجود دارد. لیکن مسئله شما فراتر از این است. شما نماینده نظامی الهی و معنوی هستید. این نظام اگر هیچ کاری هم با هیچ‌یک از قدرت‌ها و دولت‌های مستکبر دنیا نداشته باشد، آن‌ها با او کار دارند، چون طبیعت این نظام مقابله با ظلم و تجاوز است. الان شما در همین کشورهای تازه به‌پاخاسته و ملت‌های بیدار شده ملاحظه کنید؛ هر جایی که گفته می‌شود فلان جبهه اسلامی غلبه کرد یا در انتخابات یا در تظاهرات دستگاه استکبار نگران می‌شود و نگرانی خودش را بروز می‌دهد؛ درحالی‌که معلوم نیست این‌هایی که در انتخابات پیروز شده‌اند، بعداً چگونه عمل خواهند کرد. آنچه آن‌ها را متوحش می‌کند، نفس‌گرایش اسلامی است، چون گرایش اسلامی در درون خود ضد استکباری است، ضد ظلم است، ضد اشغالگری است، ضد تجاوز به حقوق انسان‌هاست؛ یعنی چیزهایی که پایه‌های حکومت استکباری در دنیاست. حکومت استکباری در دنیا بدون دخالت در کشورها، بدون به حقوق ملت‌ها، بدون تعرض به منافع ملت‌ها که نمی‌تواند سرپای خود بایستد؛ چون این پایه‌ها با اسلام، با نام اسلام، با شعار اسلام، با هویت اسلامی در تضاد طبیعی است؛ هر جایی که نامی از اسلام آورده می‌شود، این‌ها نگران می‌شوند» (بیانات رهبر در دیدار رئیس جمهور و اعضای هیئت دولت، ۱۳۸۲/۶/۵).

یکی از اساسی‌ترین و اصلی‌ترین راهکارها برای حفظ هویت اسلامی در سطح بین‌الملل استفاده از ظرفیت‌های جهان اسلام و بهره‌برداری از ثمرات مفید ناشی از اتحاد با دولت‌های اسلامی است؛ چنانکه مقام معظم رهبری در بیانات خود خاطر نشان کردند که «نقش اسلام را در دنیا هر چه می‌توانید، پررنگ‌تر کنید. بگردید با ابتکار، ببینید کجاها می‌توان برای اسلام نقش‌آفرینی کرد؛ نه فقط برای ایران اسلامی، بلکه برای اسلام» (دیدار رهبر با مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی، ۱۳۹۰/۶/۹).

چارچوب ادراکی مقام معظم رهبری درباره مذاکره و تبیین نرمش قهرمانانه نرمش قهرمانانه و مفهوم‌سازی حوزه‌های جدید در نظام بین‌المللی

اندیشه انقلاب اسلامی همیشه در عرصه گفت‌وگو سازی فرهنگی و سیاسی متناسب با شرایط زمانی توانایی بالای خود را در تولید معنا و مفهوم نشان داده است. مقام معظم رهبری، به‌عنوان سکان‌دار اصلی نظام و دیدبان بیدار و هوشیار انقلاب اسلامی که هم در جایگاه ولایت و مرجعیت دینی و هم طبق قانون اساسی در جایگاه بی‌بدیل سیاسی و اجتماعی قرار گرفته‌اند، در مقام اسلام‌شناس و نظریه‌پرداز اجتماعی بارها به مفهوم‌سازی و تولید نظریه با اجتهاد از آموزه‌های غنی اسلامی پرداخته و به دنبال آن مفاهیم بنیادین را در قالب واژگان در معرض استفاده نخبگان علمی و اجتماعی قرار داده‌اند که از آن میان می‌توان به اصطلاحات و مفاهیمی چون جهاد اقتصادی و اقتصاد مقاومتی، بیداری اسلامی و نرمش قهرمانانه اشاره کرد. البته این روش در ادبیات متفکران اسلامی سابقه‌ای طولانی دارد که برای انتقال ساده مضامین طولانی، مفهوم‌سازی کرده‌اند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در تبیین دیپلماسی خارجی و تعامل با دنیا، به‌ویژه تعامل با دشمنان و مخالفان خارجی، این اصطلاح را به کار بردند؛ اصطلاحی که در نگاه نخست، ترکیبی از دو واژه متناقض است. نرمش از عنصر انعطاف است و قهرمانانه بر عنصر سختی و قهر دلالت دارد و از واژه غلبه و چیرگی است و آن هم چیرگی قوی و سلطه‌گونه. پهلوان یا قهرمانی که در میدان مبارزه بر همه جوانب مسلط است و از خود نرمش نشان می‌دهد، با این انعطاف آگاهانه به رقیب اجازه نخواهد داد تا او را به زمین افکند، بلکه با حفظ رقیب در میدان بازی، قهرمان فرصت لازم برای وصول به نتیجه مطلوب را فراهم می‌سازد، البته همین انعطاف در منظومه‌ای عقلی و منطقی به‌گونه‌ای است که اول اینکه برتری و قهرمانی حفظ می‌شود و دوم اینکه رقیب نیز احساس خواری، ذلت و شکست نخواهد کرد، بلکه احساس پیروزی خواهد داشت.

امانوئل والرشتاین، نظریه‌پرداز بزرگ نظام‌های جهانی و اندیشمند حوزه جهانی شدن، در یادداشتی که در پایگاه اینترنتی شخصی او منتشر شد، به تشریح دیدگاه خود درباره مفهوم نرمش قهرمانانه مورد اشاره مقام معظم رهبری و تحولات جاری بین ایران و آمریکا پرداخته است و می‌نویسد: «به نظر می‌رسد در مذاکرات بین‌المللی که هم اینک به‌طور غیرمنتظره‌ای بین ایران و آمریکا در جریان است، ایرانی‌ها در تولید فرمول‌های شفاهی و مفاهیمی که افکار عمومی را جذب می‌کنند، ظرفیت بیشتری داشته‌اند» (خبرگزاری تسنیم، سرویس بین‌المللی، ۱۰ مهر ۱۳۹۲). زمانی که حسن روحانی، رئیس‌جمهور جدید ایران اعلام کرد که این کشور آماده است تا با آنچه ایرانی‌ها شیطان بزرگ می‌نامند وارد مذاکره شود، همه نفس‌های خود را در سینه‌ها حبس کردیم تا بدانیم آیا آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر ایران، از این تلاش‌ها استقبال خواهد کرد یا نه.

آیت‌الله خامنه‌ای در ۱۷ سپتامبر گفت: «بنده معتقد به همان چیزی هستم که سال‌ها پیش نرمش قهرمانانه نامگذاری شد. نرمش در جاهایی که بسیار لازم است، بسیار خوب است». روحانی که مسلح به نرمش قهرمانانه شده بود، به سازمان ملل رفت تا این مسئله را حل و فصل کند. یکی از نتایج این امر، پیشنهاد ایرانی‌ها به امریکا برای تماس تلفنی اوباما با روحانی بود که وی آن را عملی کرد. روحانی بیان داشت که این تماس تلفنی نشان‌دهنده «تعامل سازنده بود». اوباما بدون شک با این فرمول موافق بود. سؤال پیش روی طرفین این است که تا چه حد می‌توانند در «تعامل سازنده» با یکدیگر «آسان‌گیر» بوده و درعین‌حال به «اصول اصلی‌شان پایبند بمانند؟» این امر در ظاهر نیازمند قهرمانی است (خبرگزاری تسنیم، سرویس بین‌المللی، ۱۰ مهر ۱۳۹۲).

حوزه نرمش قهرمانانه روش است نه راهبرد

همان‌گونه که در مقدمه این پژوهش و در بیان مسئله اشاره شد، طرح مفهوم نرمش قهرمانانه از سوی رهبر معظم انقلاب اسلامی با برخی کژتابی‌های مفهومی و اجرایی از سوی بعضی تحلیلگران و رسانه‌های داخلی و خارجی و همچنین تلاش عمدی رسانه‌های ضد انقلاب در القای سوءتعبیر در نرمش قهرمانانه همراه بود و آن را تغییر راهبرد نظام اسلامی در مواجهه با جهان بین‌المللی دانستند.

درحالی‌که اگر پژوهشگر آزاد کمترین تأملی در فرمایش‌های ایشان در سخنرانی‌های مورخ ۱۳۹۳/۵/۲۲ در جمع مسئولان وزارت امور خارجه و سفرا و رؤسای نمایندگی‌های جمهوری اسلامی در خارج از کشور، همچنین بیانات مورخ ۱۳۹۲/۸/۲۹ ایشان در جمع پنجاه هزار نفر از فرماندهان بسیج سراسر کشور و بیانات ایشان در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی مورخ ۱۳۹۲/۶/۲۶ و دیدار با اعضای مجلس خبرگان رهبری مورخ ۱۳۹۲/۶/۱۴ داشته باشد، به‌روشنی درک خواهد کرد که نرمش قهرمانانه در حوزه تغییر روش است و به معنای تغییر راهبرد نظام نیست و جمهوری اسلامی در حوزه راهبردهای کلان همان مسیر آرمانی خود را طی می‌کند. رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با فرماندهان سپاه پاسداران در کنار طرح مفهوم نرمش قهرمانانه، به‌صراحت بر لزوم انقلابی بودن و انقلابی ماندن و در فراز دیگر این سخنرانی منطق مستحکم نظام اسلامی درباره ظالم و مظلوم نشدن و مقابله نظام اسلامی در برابر مستکبران را بیان می‌کنند و مثل گذشته درباره حقانیت جمهوری اسلامی در داشتن فناوری هسته‌ای سخن گفته‌اند و در آخرین فراز از بیانات خود نیز بر آینده روشن جمهوری اسلامی تأکید می‌کنند. تأمل درست در این بیانات و بررسی منظومه فکری و ابعاد شخصیت دینی و سیاسی مقام معظم رهبری نشان می‌دهد که بیانات ایشان هیچ‌گونه چرخش نظری در اصول و مبانی ندارد یا مجوزی برای دست برداشتن از آرمان‌ها و راهبرد نظام صادر نشده

است، بنابراین، باید پذیرفت که انعطاف مورد نظر رهبری یعنی اجازه جابه‌جایی روشی با روشی دیگر برای وصول به اهداف بلند نظام اسلامی. نگارنده این رسانه به سبب حضور فعال در دفاع مقدس و جنگ هشت‌ساله صدام و استکبار جهانی علیه انقلاب اسلامی، به‌خوبی و به‌روشنی درک می‌کند که فرمانده آگاه و هوشیار گاهی به رزمنده خط مقدم نبرد دستور عقب‌نشینی تاکتیکی می‌دهد که در اصل و در باطن این به‌ظاهر عقب‌نشینی، تقویت مواضع و تثبیت جبهه خودی نهفته است. در جبهه نبرد با دشمن گاهی یک گام به عقب به معنای دو گام به جلو است، بنابراین، نرمش قهرمانانه در سیاست خارجی به معنای تغییر روش است و طبق نظر مقام معظم رهبری باید مراقب حرکت بعدی دشمن بود و از ماهیت دشمن غافل نشد و با نگاهی عمیق به رفتارها و حرکات او، ابزار و روش‌ها را عوض کنیم.

مقام معظم رهبری با انتقاد از عده‌ای که نرمش قهرمانانه را عقب‌نشینی از اصول و راهبرد نظام دانسته‌اند، فرمودند: «ما تعبیر نرمش قهرمانانه را به کار بردیم، عده‌ای آن را به معنی دست برداشتن از آرمان‌ها و هدف‌های نظام اسلامی معنا کردند، بعضی از دشمنان هم همین را مستمسکی قرار دادند برای اینکه نظام اسلامی را به عقب‌نشینی از اصول خود متهم کنند، این‌ها خلاف بود، این‌ها بدفهمی است. نرمش قهرمانانه به معنای مانوره هنرمندانه برای رسیدن به مقصود است. به معنای این است که سالک راه خدا در هر سلوکی به سمت آرمان‌های گوناگون و متنوع اسلامی که حرکت می‌کند، به هر شکلی و به هر نحوی، باید از شیوه‌های متنوع استفاده کند (سخنرانی در جمع فرماندهان بسیج، ۱۳۹۳/۸/۲۹). از بیان رسای رهبری به‌خوبی استنباط می‌شود که کارگزار جمهوری اسلامی (سالک راه خدا) می‌تواند با مانور هنرمندانه خود در روش‌های متنوع دیپلماسی نرمش و انعطاف داشته باشد، اما باید در راهبرد نظام (آرمان‌ها) ایستادگی و مقاومت نشان دهد.

نرمش قهرمانانه و حوزه توازن در آرمان و عمل

رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران، ضمن موافقت با حرکت‌های صحیح و منطقی در سیاست خارجی، فرمودند: «با مسئله‌ای که سال‌ها پیش نرمش قهرمانانه خواندم، موافقم زیرا این حرکت در مواقعی بسیار خوب و لازم است، اما با پایبندی به یک شرط اصلی» (دیدار فرماندهان سپاه پاسداران با رهبر انقلاب اسلامی، ۱۳۹۲/۶/۲۶).

همان‌گونه که بیان شد، نرمش قهرمانانه به معنای عملی انعطافی و منطقی در چارچوب آرمان‌ها و سیاست برگرفته از اصول آن است. بنابراین، هرگاه این انعطاف موجب شود که از آرمان‌ها فاصله بگیریم یا در اصول تسامح و تساهل روا داشته شود، نرمش دیگر قهرمانانه نیست و باید در اجرای آن تجدیدنظر کرد. بیانات صریح مقام معظم رهبری در دیدار رئیس و

اعضای مجلس خبرگان رهبری مبتنی بر آن است که در عملیات نرمش قهرمانانه باید بین عمل و روش‌های اجرایی دیپلماتیک و حفظ آرمان‌های انقلاب اسلامی توازن برقرار باشد و نمی‌توان به بهانه مانور هنرمندانه در سیاست خارجی روی اصول و آرمان‌ها پا گذاشت و از آن‌ها عبور کرد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای فرمودند: «نرمش و انعطاف مانور هنرمندانه و قهرمانانه در همه عرصه‌های سیاسی مطلوب و مورد قبول است، لکن این مانور هنرمندانه نباید به معنای عبور از خطوط قرمز یا برگشتن از راهبردهای اساسی، یا عدم توجه به آرمان‌ها باشد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴).

مذاکره و نرمش؛ نه تسلیم و سازش

در دکترین سیاست خارجی جمهوری اسلامی و منظومه فکری مقام معظم رهبری دو عبارت سازش و تسلیم در برابر دشمن خارجی جایگاهی ندارد. همان‌گونه که پیش از این گفته شد، نرمش قهرمانانه به معنی دست برداشتن از اصول نیست. از سوی دیگر، این نرمش به معنای سازش و تسلیم هم نیست. مقام معظم رهبری در دیدار دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی با اشاره به نسخه عده‌ای که تسلیم در برابر زورگویی دشمنان را تجویز می‌کنند، فرمودند:

«یک عده نسخه تسلیم را تجویز می‌کنند، این نسخه کارساز نیست، البته شما جوانان می‌دانید هرکسی هم که از هویت انسانی مستقل برخوردار باشد، می‌داند که نشان دادن نشانه‌های تسلیم در مقابل دشمن به هیچ‌وجه کارساز نیست. نشانه‌های تسلیم و انقیاد و مرعوب شدن، دشمن را نیرومند می‌کند، به او روحیه می‌دهد و به او کمک می‌کند تا بتواند راه خود را در تجاوز ادامه دهد. لذا به هیچ وجه نباید تسلیم شد.

می‌شنوید بعضی کسان صحبت می‌کنند که فرصت‌ها را از دست ندهیم، من نمی‌دانم مقصود آن‌ها از فرصت چیست. فرصت تسلیم شدن در مقابل امریکا است؟ این فرصت است؟! برای ملت ما این فرصت است که در مقابل دشمنی که با صدای کلفت و با لحن قلدرمآبانه می‌خواهد سلطه خود را تحمیل کند، تسلیم شود و از مقابل او عقب بنشیند؟! اصل عدم تسلیم در مقابل زیاده‌خواهی دشمن اصل همیشگی است» (بیانات رهبر در دیدار با دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۲/۲/۲۲).

در واقع، ایشان سه راه برای رویارویی با دشمن و احقاق حق ملت ایران در گفتمان خود مدنظر قرار داده‌اند: ابتدا تسلیم در برابر زیاده‌خواهی و زورگویی دشمن که پیمودن این راه را مساوی با ذبح عزت و کرامت مردم، مسئولان، سیاستمداران و روشنفکران ایران اسلامی دانسته و آن را مردود می‌دانند. همان مسیری که در کشورهای همسایه ما طی شد و امروز بعد از گذشت سال‌ها هیچ ملتی آرزو نمی‌کند جای مردم افغانستان یا عراق باشد.

نرمش قهرمانانه، دیپلماسی و افکار عمومی داخلی و خارجی

مقام معظم رهبری در یکی از سخنرانی‌های خود فرمودند: «من دیپلمات نیستم، من انقلابی‌ام»، اما حقیقت آن است که ایشان در کنار انقلابی بودن در سطح بسیار بالایی دیپلماسی را می‌شناسند، با اصول و اهمیت آن آشنا هستند و خود مبدع چارچوب و مفاهیم جدید و روزآمدی در حوزه دیپلماسی هستند. مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه می‌فرمایند: «من در زمان حیات مبارک امام خمینی (ره) با هیچ دستگاهی از دستگاه‌های دولتی، این همکاری و انسی را که با شماها داشتم نداشتم، اهمیت هم کار سیاست خارجی و مسئله دیپلماسی جمهوری اسلامی است» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۶۹/۵/۱). جای دیگر درباره اهمیت دیپلماسی و اثرگذاری آن می‌فرمایند: «دیپلماسی یک جنگ است، شما این را به خوبی می‌دانید و آن را مثل جنگ نظامی و برخوردهای اقتصادی که تاکتیک و عقب‌نشینی، حمله، جابه‌جایی و فریب‌جنگی دارد. همه دیپلمات‌های دنیا مشغول جنگ هستند. ما دچار یک جنگ تحمیلی ناخواسته در عالم دیپلماسی شدیم و آن، تمرکز فعالیت‌های همه قدرت‌های مخالف اسلام و حتی دین، مثل صهیونیسم سیاسی، روی دیپلماسی ما بود. دستگاه دیپلماسی ما، یک تنه رویاروی این تمرکز بین‌المللی بود» (سخنرانی مقام معظم رهبری در دیدار مسئولان وزارت امور خارجه، ۱۳۶۸/۵/۳۱).

یک پایه نرمش قهرمانانه پیروزی و قهرمانی است، پس این هم صحنه مبارزه است و در شرایطی که ایران اسلامی از منابع قدرت متکثری برخوردار شده است، این دیپلماسی نرم اما مقتدرانه می‌تواند نتایج علمی و عملی مطلوبی برای بهینه‌سازی دیپلماسی و جلب افکار عمومی نخبگان و عموم ملت‌هایی باشد که نظاره‌گر فرازونشیب‌های سیاست بین‌المللی هستند. دیپلماسی نرم یا نرمش قهرمانانه را می‌شود مولد فرصت‌های تازه‌ای برای جمهوری اسلامی دانست. مفاهیمی چون تنش‌زایی با مختصات سیاست خارجی جمهوری اسلامی سازگاری دارد و همچنین در سند چشم‌انداز بیست‌ساله کشور مقام معظم رهبری تعامل ایران با جهان را بر اساس سه رکن مهم عزت، حکمت، و مصلحت پیش‌بینی کرده‌اند.

مقام معظم رهبری در پیام خود به مسلمانان جهان در کنگره عظیم حج می‌فرمایند:

«جمهوری اسلامی ثابت کرده است که در پی تشنج‌آفرینی در روابط خود با کشورها نیست و به روابطی برابر که سه اصل عزت، حکمت، و مصلحت در سیاست خارجی منطبق باشد، علاقه‌مند و پایبند است و ثابت کرده است که این روابط منافع مادی و معنوی کشور و رعایت مصلحت و عزت ملت عظیم‌الشأن ایران و صیانت از آرامش و سلامت در فضای سیاسی جهان، شاخص و راهنمای اصلی اوست (پیام مقام معظم رهبری در کنگره حج، ۱۳۷۷/۱/۱۲).

امید به نرمش قهرمانانه و چشم‌انداز روشن آینده

تحلیل اوضاع سیاسی جمهوری اسلامی و جهان نشان می‌دهد که موافقت مقام معظم رهبری با انعطاف جدید در سیاست خارجی جمهوری اسلامی با اطلاع و آگاهی لازم از شرایط داخلی و بین‌المللی صورت گرفته و پشتوانه‌های کافی برای تحقق آن فراهم است که از آن میان می‌توان به دستیابی دانشمندان جوان ایرانی به سطوح ممتازی از ترقی و پیشرفت در فناوری، تولید علم بومی و اثبات کارآمدی نظام در این حوزه، پیشی گرفتن قدرت منطقه‌ای و حفظ اقتدار آن با نگاه به اوضاع وخیم امنیتی کشورهای همسایه، رشد سرمایه اجتماعی ایران با رفع ذهنیت‌های برآمده از ماجرای انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۳۸۸، شکنندگی موقعیت دشمنان اصلی و درگیری آن‌ها در جبهه‌های مختلف داخلی و خارجی کشورهای خودشان و آخرین موضوع سرکار آمدن دولت جدید و رویکرد نرم آن‌ها در امور سیاسی اشاره کرد.

با توجه به این مطالب و رؤیت نشانه‌های مثبت در صحنه بین‌المللی جمهوری اسلامی، همچون پذیرش حق ایران در استفاده صلح‌آمیز از فناوری هسته‌ای و توجه آن‌ها به فتوای رهبر معظم انقلاب اسلامی، کنار گذاشتن سیاست براندازی یا تغییر نظام توسط بزرگ‌ترین دشمن جهانی و ابراز صریح آن، برای اولین بار، توسط رئیس جمهور امریکا و ارتقای سطح فرستادگان کشورهای ۵+۱ به وزرای امور خارجه و حتی نرمش و تجدید نظر امریکا در طرح حمله به سوریه و ورود آن‌ها به فرایندهای دیپلماتیک برای حل بحران در سوریه که هم‌پیمان راهبردی و اعتقادی جمهوری اسلامی است را می‌توان به عناصری از عقلانیت طرف مقابل و بازگشت او به رویکرد مصالحه‌جویانه و تغییر منطبق زور مرتبط دانست.

سخنان یا فرمان رهبر معظم انقلاب اسلامی مبنی بر نرمش قهرمانانه، علاوه بر مشروعیت بخشیدن به تلاش دیپلمات‌ها قوت قلبی برای آن‌ها شد تا با نگاهی به افق روشن انقلاب اسلامی، با اعتماد به نفس بالایی مذاکرات را به نتایج مطلوبی برسانند. رهبر معظم انقلاب در زمان سخنرانی درباره نرمش قهرمانانه خطاب به تیم مذاکره‌کننده و مسئولان سیاست خارجی جمهوری اسلامی فرمودند: «هرگونه حرکتی - رو به جلو یا رو به عقب - مثل میدان رزم نظامی باید به دنبال رسیدن به اهداف از پیش تعیین‌شده باشد. اهدافی وجود دارد، نظام اسلامی در هر مرحله‌ای یکی از این اهداف را دنبال می‌کند. برای پیشرفت و برای رسیدن به نقطه تعالی و اوج، برای ایجاد تمدن عظیم اسلامی باید سعی کند به این هدف در این مرحله برسد (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار فرماندهان بسیج، ۱۳۹۲/۸/۲۹).

تدبیر نرمش قهرمانانه هنری بود که رهبر معظم انقلاب اسلامی از خود نشان دادند و امروز شاهد هستیم که جهان به دنبال تعامل مثبت با ایران است. نرمش قهرمانانه به امیدی جهانی برای تعامل همه‌جانبه با ایران منجر شد.

نرمش قهرمانانه و درک نظام بین‌المللی در شرایط گذار

مقام معظم رهبری در تبیین مفهوم نرمش قهرمانانه فرمودند: «در این سال‌ها جبهه‌بندی‌های منطقه‌ای و جهانی آشکار شده، البته نرمش و انعطاف و مانور هنرمندانه و قهرمانانه در همه عرصه‌های سیاسی، مطلوب و مورد قبول است، لکن این مانور هنرمندانه نبایستی به معنای عبور از خطوط قرمز، یا برگشتن از راهبردهای اساسی، یا عدم توجه به آرمان‌ها باشد» (بیانات مقام معظم رهبری در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴).

رهبر معظم رهبری انقلاب اسلامی شرطی اساسی برای نرمش قهرمانانه ذکر کرده‌اند و آن اینکه کسی که می‌خواهد این روش را به کار گیرد، فراموش نکند که طرفش کیست؟! فراموش نکند که مشغول چه کاری است! این شرط اصلی است. بفهمد که دارند چه کار می‌کنند، بدانند که با چه کسی مواجهند، با چه کسی طرفند، آماج حمله آن‌ها کجاست. مقام معظم رهبری دنیای امروز را دارای پیچیدگی‌های خاص خود می‌دانند و برای گذار از این دوران کارگزار باید در امور بین‌الملل جمهوری اسلامی ایران، شناخت و فهم درستی از مقصد و نقشه راه داشته باشد. موضع جمهوری اسلامی نسبت به امریکا و استکبار همچنان انتقادی و همچنان شعارش نه شرقی و نه غربی است، اما موضع انتقادی تضادی با موضع‌گیری‌های فعالانه دیپلماسی و تعامل سازنده و فزاینده با جهان ندارد، زیرا از نظر مقام معظم رهبری، سیاست خارجی اسلامی ایران در هر دو بُعد باید به دنبال افزایش نقش و جایگاه سیاسی در نظام بین‌المللی جدید و منافع ملی و مصالح اسلامی در چارچوب عقلانیت و حکمت مدنظر ایشان باشد.

نرمش قهرمانانه و شناخت توانمندی‌ها و محذورات کشور

مقدورات و توانمندی‌های ملی از دو ستون قدرت نرم و قدرت سخت به دست می‌آید. همه دولت‌ها در سیاست خارجی خود اهداف و آرمان‌هایی دارند و سعی می‌کنند بر اساس آن راهبرد مناسب را برگزینند و به هدف برسند. این اهداف در نهایت به درخواست‌ها و نیازهای امنیتی، سیاسی، اقتصادی، و فرهنگی خود می‌رسند، گرچه ممکن نیست که اقتضائات زمانی در شرایط گوناگون یکسان باقی بمانند، زیرا عوامل متعدد داخلی و خارجی توانایی‌ها یا محذورات کشور را متحول و دگرگون می‌کنند و از طرفی به‌کارگیری سیاست‌های مهم در عرصه بین‌المللی منوط به شناخت و درک صحیح از توانمندی ملی و محذورات پیش رو است. از منظر مقام معظم رهبری، جمهوری اسلامی توانمندی‌ها و امکانات و ظرفیت‌های فراوان و در نظام بین‌الملل نیز مؤلفه‌های قدرت مستحکمی دارد. ایشان در تبیین مؤلفه‌های قدرت سیاسی جمهوری اسلامی ایران، ایمان و توکل به خدا، رشادت و شجاعت جوانان دلیر،

عزم و اراده پلادین و حضور در صحنه علمی جهان قدرت، تأثیرگذاری در تحولات مهم جهان، استحکام و انسجام داخلی و قدرت دفاع نظامی را در بیانات و سخنرانی‌های مختلف جزو توانمندی‌های ایران اسلامی بیان کرده‌اند. اما به‌عنوان عضوی از اعضای نظام بین‌الملل در فرمان‌ها و بیانات خود همواره خواهان برقراری روابط با کشورها و تشنج‌زدایی در سطح بین‌الملل بوده‌اند که البته این تابعی از آموزه‌های اصیل اسلامی است.

رعایت مصلحت جامعه اسلامی از وظایف دولت است و تضادی بین توجه به منافع ملی و ارزش‌های دینی وجود ندارد. در فرایند تعامل با جهان، دولت اسلامی گاهی برای حفظ و ارتقای دستاوردهای نظام مصلحت را در سیاست دخالت داده است که به‌عنوان نمونه می‌توان به پذیرش قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل متحد توسط امام خمینی (ره) اشاره کرد. تعبیر مقام معظم رهبری از نرمش قهرمانانه در سیاست خارجی نیز با توجه به توانمندی و محذورات کشور بوده است، اما تفاوتی اساسی با مصلحت‌اندیشی دوران پذیرش قطعنامه ۵۹۸ توسط حضرت امام خمینی (ره) دارد و آن انعطاف نرمش قهرمانانه در شرایط ضعف نیست، بلکه جمهوری اسلامی از موضع قدرت برای حل و فصل مشکلات سر میز مذاکره می‌نشیند، اگرچه پس از پذیرش قطعنامه نیز در نهایت پیروزی از آن ملت مسلمان ایران شد.

نرمش قهرمانانه و شناخت مقدرات و محذورات جبهه مقابل

رفتار استکباری امریکا در برابر قیام مردم ایران علیه رژیم پهلوی و پس از آن مواجهه خصمانه با انقلاب اسلامی سبب عداوت و کینه‌ورزی مردم ایران نسبت به امریکا شد. رشد روزافزون انقلاب اسلامی در فضا و جغرافیایی که استکبار تلاش می‌کرد آن را برای انقلاب محدودتر کند، بر خشم استکبار می‌افزود و آن را وادار به دشمنی بیشتر می‌کرد. شکست پی‌درپی برنامه‌های بازدارنده و مهارکننده استکبار در مقابل موج پیش‌رونده انقلاب، استکبار را به چاره‌جویی واداشت تا به‌زعم خود حدود یک دهه پیش با دستاویز قرار دادن فعالیت هسته‌ای ایران، ابزار لازم برای فشار بیشتر بر ایران و محصور کردن انقلاب اسلامی را به دست آورد. کش و قوس یک دهه گذشته با محوریت فعالیت‌های هسته‌ای ایران هم نتوانست امریکا را به هدفش برساند و برعکس تنش موجود بیشتر و پیچیده‌تر شد و ابعاد آن مرزهای جغرافیایی را دنوردید و قلمرو گسترده‌ای را در بر گرفت. آینده تداوم این وضعیت، برای امریکا نامعلوم و نگران‌کننده بود، از این رو، بی‌صبرانه در انتظار فرصت برای بازسازی وضعیت و به‌کارگیری رویکردی جدید بود. به نظر می‌رسد انتخابات ریاست جمهوری یازدهم و انتخاب دکتر روحانی و ادبیات انتخاباتی وی و پس از آن اعلام خط‌مشی نرمش قهرمانانه از سوی مقام معظم رهبری همان فرصتی بود که استکبار برای خروج از بن‌بست موجود منتظرش بود. این

مسئله باید در نقطه‌ای سنجیده می‌شد و رسمیت می‌یافت. حضور دکتر روحانی در مجمع سازمان ملل متحد و ایراد سخنرانی در آنجا بهترین نقطه برای ارزیابی موضوع و تنظیم برنامه برای روابط جدید بود.

از بیانات مقام معظم رهبری استنباط می‌شود که ایشان خود به‌عنوان صادرکننده فرمان نرمش قهرمانانه به هویت، شخصیت، اهداف، روش‌ها، مقدرات، و محذورات دشمن اشراف کامل دارند، درست در مناقشه سوریه، عراق، افغانستان و درگیری معمای جدید در حوزه تروریسم و داعش دچار نوعی خستگی و پریشانی راهبردی شده‌اند و مایل به بحران‌سازی جدید در منطقه خاورمیانه نیستند. بنابراین، از فرصتی استفاده خواهند کرد که رهبری جمهوری اسلامی برایشان فراهم کرده است، اما اگر برخلاف ادعاهای او با این مذاکرات که جمهوری اسلامی با انعطاف لازم در آن حضور می‌یابد شکست بخورد، صداقت امریکا در بوته آزمایش قرار گرفته است.

نتیجه

بیانات مقام معظم رهبری درباره نرمش قهرمانانه، ابزار و روش‌های تحقق آن و نقشه راه، کار را برای مسئولان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران آسان کرده است و هشدارهای ایشان باعث هوشیاری بیشتر کارگزاران نظام شده است. یکی از تعابیری که می‌توان با توجه به شناخت کلی از مواضع رهبر انقلاب اسلامی درباره نرمش قهرمانانه بیان کرد، حفظ هوشیاری در برابر جبهه مقابل و پاسخ مناسب و به‌موقع است. هوشیاری که انفعال و سستی ندارد و در آن آرمان‌گرایی شجاعانه و عاقلانه موج می‌زند.

بر اساس رویکرد مقام معظم رهبری در طراحی سیاست خارجی جمهوری اسلامی، همزمان باید به اصل واقع‌گرایی و شناخت اقتضانات و محدودیت‌های روابط بین‌الملل توجه شود. در دیپلماسی خارجی، سیاستگذار هم به دید آرمانی اسلام که تشکیل تمدن بزرگ اسلامی است توجه دارد و منفعل و خسته نیست و هم شناخت خوب و ناظر فیم و منطقی است برای درک محدودیت‌ها، مرزبندی‌ها و پذیرش واقعیت‌های موجود در جامعه جهانی اگر تأملی درست و موشکافانه در سیره و منظومه فکری و ابعاد شخصیتی امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری داشته باشیم، به‌روشنی مشخص خواهد شد که این دو رهبر انقلاب اسلامی واقع‌گرایی و استدلالی و منطقی و آرمان‌گرایی پرنشاط و انقلابی را همزمان در قالب فکری خود جمع کرده‌اند و به‌این‌ترتیب، توازن‌بینی واقع‌گرایی در عمل و رویه و آرمان‌گرایی در اندیشه و تفکر جمع می‌شوند. اگر نرمش قهرمانانه با واقع‌گرایی و آرمان‌گرایی متوازن و آگاهانه هماهنگ شود، مقدمات پیروزی قهرمانانه فراهم شده است.

معنای بصیرت سیاسی نیز همین است، یعنی تشخیص وضعیت خود و داشتن تصویری واقع‌گرایانه از محیط پیرامون؛ یعنی بدانیم کجا هستیم و امکاناتمان چیست؟! بصیرت سیاسی با تصویر واقع‌گرایانه از وضعیت آغاز می‌شود و با درک وظیفه در زمان خودش و قیام به‌موقع به نتیجه می‌رسد. خلاصه اینکه مذاکره و نرمش قهرمانانه حرکتی برای تأمین منافع ملی و کاهش سطح تهدیدات علیه کشور است، بی‌آنکه در ماهیت دشمن تغییری روی داده باشد و لازمه تحقق آن گسترش سطح دیپلماسی است. این نرمش همچنان باید منطبق بر اصول اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی باشد.

روش سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در روابط بین‌المللی، تعامل سازنده و مؤثر با جهان بر اساس اصول بنیادین عزت، حکمت، و مصلحت است و می‌توان از این مفاهیم استنباط کرد که تغییر در نظام سلطه بین‌المللی در صورت ممکن شدن از طریق تعامل سازنده و سیاست فعال و نرم خواهد بود. بنابراین، ترجمه نرمش قهرمانانه با توجه به مثالی که رهبر حکیم انقلاب اسلامی درباره فنون کشتی به کار برده‌اند، حرکتی اعتمادساز، یک‌جانبه، و بی‌هدف نیست، بلکه روش یا فنی هوشمندانه و هدفمند است و بی‌گمان اهداف عالی همچنان برقرارند و تعارضات اعتقادی و هویتی فراموش نمی‌شوند. رهبر معظم انقلاب اسلامی می‌فرماید: «اصول سیاست خارجی ما از اصول انقلاب ما جدا نیست. ما همچنان که نظام سلطه را در کشورمان با انقلاب بر هم زدیم، با نظام ارباب-رعیتی در سطح جهان مخالفیم. اساس سیاست خارجی ما این است که ما ایده مخالفت با سلطه‌گری و سلطه‌پذیری را به عنوان یک ستون مستحکم در فضای سیاست بین‌المللی در سطح دولت‌ها و ملت‌ها اسقرار دهیم» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۳/۵/۲۵).

در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز مبارزه با استکبار بنای مستحکمی دارد و حمایت از مظلومان جهان اصلی اساسی است. دفاع از مظلومان جهان و مبارزه با استکبار یعنی طرد و رد منطق سلطه که امروز آمریکا در رأس نظام سلطه جهانی قرار دارد. شعار مرگ بر آمریکا که از قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بر زبان مردم و نخبگان سیاسی ایران جاری است، به معنای دوری جستن از منطق سلطه‌گری و استکبار امریکاست. اگر رهبر معظم انقلاب اسلامی بحث نرمش قهرمانانه را مطرح می‌کنند، به‌عنوان نظامی فنی و روشمند است، نه موضوعی انفعالی؛ زیرا نرمش قهرمانانه در برابر دشمن این است که روزگاری دولتمردان جمهوری اسلامی با مدعیان سر میز مذاکره نشستند و از موضع حق با آن‌ها مذاکره کردند.

منابع و مآخذ

۱. قرآن کریم.
۲. آنتونی، جانز، اج و لاهود، نلی (۱۳۸۹)، اسلام و سیاست بین‌الملل، ترجمه رضا سیمیر. تهران؛ دانشگاه امام صادق(ع).

۳. احمدی‌فر، سجاد (۱۳۹۲/۵/۱۳)، بررسی جایگاه رهبر معظم انقلاب در هندسه نوین جهانی، پژوهشگاه فرهنگ و معارف اسلامی.
۴. بخشایشی، احمد (۱۳۷۵)، سیاست خارجی ج. ا. ا. تهران؛ انتشارات آوای نور.
۵. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، سیاست خارجی عرصه فقدان تصمیم و تدبیر؟، تهران، گفتمان.
۶. حاتمی راد، منصور (۱۳۷۵)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، آوای نور.
۷. حاتمی راد، منصور (۱۳۸۷)، سیاست خارجی ایران از نگاه مقام معظم رهبری.
۸. خمینی، سید روح الله (۱۳۷۸)، صحیفه امام، ج ۲۲، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام.
۹. سجادی‌پور، محمدکاظم (۱۳۷۹)، سیاست خارجی ج.ا.ا. تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
۱۰. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۷۵)، گفتگوی تمدن‌ها از منظر سازه‌انگاری، تهران دانشگاه تهران.
۱۱. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۳)، "گفتگوی تمدن‌ها از منظر سازه‌انگاری"، فصلنامه دانشکده حقوق و علوم سیاسی، شماره ۶۳.
۱۲. منشور دولت اسلامی (۱۳۸۴)، بازخوانی مواضع و انتظارات مقام معظم رهبری از قوه مجریه، دفتر جریان‌شناسی تاریخ معاصر، قم: همای غدیر.
۱۳. واعظی دهنوی، عباس (بهار ۱۳۹۱)، مبانی سیاست خارجی در اندیشه رهبری، فصلنامه جستارهای سیاسی روز، شماره ۵.
۱۴. ونت، الکساندر (۱۳۸۴)، نظریه اجتماعی سیاست بین‌الملل، ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.

– سایت‌ها و پایگاه‌های خبری

۱۵. سایت مقام معظم رهبری www.leader.ir
۱۶. سایت خامنه ای khamenei.ir
۱۷. سایت تسنیم tasnim.ir
۱۸. سایت خبرگزاری فارس farsnews.ir